



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



اعرف الحق تعرف امله



سلسله پژوهش های اعتقادی

# احادیث ساختگی

آیت الله سید علی حسینی میلانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# سلسله پژوهش های اعتقادی

نویسنده:

آیت الله علی حسینی میلانی

ناشر چاپی:

مرکز الحقایق الاسلامیه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۸	سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث ساختگی المجلد ۲۲
۸	مشخصات کتاب
۸	سرآغاز ...
۱۷	مژده بهشت به سه خلیفه ...
۱۷	اشاره
۲۱	بررسی راویان حدیث ...
۲۲	شریک بن ابی نمر ...
۲۳	عثمان بن غیاث ...
۲۳	ابواسامه ...
۲۵	دیدار در خانه ...
۲۵	اشاره
۲۶	بررسی راویان حدیث ...
۲۷	عقیل بن خالد ...
۲۷	زهری ...
۳۳	سخنی با کوه حرا ...
۳۳	اشاره
۳۴	بررسی و نقد حدیث ...
۳۷	سخنی از پیامبر در هنگام بیماری ...
۳۷	اشاره
۳۹	بررسی و نقد حدیث ...
۴۱	فضایل ناشناخته ...
۴۱	اشاره
۴۴	بررسی راویان حدیث ...

۴۴	..... سفیان بن وکیع ...
۴۵	..... داوود عطار ...
۴۶	..... قناده ...
۴۶	..... محمد بن بشار ...
۴۶	..... عبدالوهاب بن عبدالمجید ...
۴۷	..... خالد حدّاء ...
۴۹	..... ابوقلابه ...
۴۹	..... دو نکته جالب ...
۵۰	..... راویان حدیث سند حاکم نیشابوری ...
۵۳	..... خلفا و ساخت مسجد پیامبر ...
۵۳	..... اشاره
۵۴	..... بررسی و نقد حدیث ...
۵۷	..... رؤیای رسول خدا ...
۵۷	..... اشاره
۵۹	..... بررسی و نقد حدیث ...
۶۱	..... خلفا هم سنگان امت ...
۶۱	..... اشاره
۶۲	..... عمرو بن واقد از راویان این حدیث ...
۶۴	..... خلفا و فرمان خدا ...
۶۴	..... اشاره
۶۵	..... سلیمان بن عیسی سجزی از راویان این حدیث ...
۶۶	..... خلفا و مژده پیامبر ...
۶۶	..... اشاره
۶۷	..... حدیث ساختگی و دیدگاه خطیب بغدادی ...
۶۹	..... دیدگاه های دیگر ...
۷۱	..... خلفا و جایگاه ویژه ...

۷۱	..... اشاره
۷۴	..... بررسی و نقد حدیث ...
۷۵	..... نقد دیدگاه ابن حجر ...
۷۷	..... فضایل ناهمگون ...
۷۷	..... اشاره
۷۸	..... مختار بن نافع راوی این حدیث ...
۸۲	..... نوشتاری بر روی برگ های درختان بهشتی ...
۸۲	..... اشاره
۸۳	..... حدیث ساختگی و دیدگاه برخی از علما ...
۸۶	..... خلفا در روز رستاخیز ...
۸۶	..... اشاره
۸۸	..... حدیث ساختگی و دیدگاه ذهبی و عسقلانی ...
۹۰	..... احادیث ساختگی و سخن پایانی ...
۹۲	..... کتابنامه ...
۹۸	..... درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: حسینی میلانی، علی، ۱۳۲۶ -

عنوان قراردادی: الاحادیث الواردة فی الخلفاء علی ترتیب الخلفاء. فارسی

عنوان و نام پدیدآور: نگاهی به احادیث ساختگی در ترتیب خلفا و فضایل آنها/ علی حسینی میلانی؛ ترجمه ویرایش هئیت تحریریه مرکز حقایق اسلامی.

مشخصات نشر: قم: الحقایق، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۱۰۴ص؛ رقعی

فروست: سلسله پژوهش های اعتقادی؛ ۲۲.

شابک: ۸۷۹-۰۰۶-۸۴۳۵-۰۳-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: خلفای راشدین -- احادیث اهل سنت

موضوع: خلفای راشدین -- فضایل.

شناسه افزوده: مرکز الحقائق الاسلامیه

رده بندی کنگره: BP۲۸/۸ /ح الف ۱۴۰۳ ۵۴۰۹۳۱

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۴۶

شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۷۱۹۱۱

ص: ۱

سر آغاز ...



... آخرین و کامل ترین دین الاهی با بعثت خاتم الانبیاء، حضرت محمّد مصطفی صلی الله علیه وآله به جهانیان عرضه شد و آئین و رسالت پیام رسانان الاهی با نبوت آن حضرت پایان پذیرفت.

دین اسلام در شهر مکه شکوفا شد و پس از بیست و سه سال زحمات طاقت فرسای رسول خدا صلی الله علیه وآله و جمعی از یاران باوفایش، تمامی جزیره العرب را فرا گرفت.

ادامه این راه الاهی در هجدهم ذی الحجّه، در غدیر خم و به صورت علنی، از جانب خدای مّنان به نخستین رادمرد عالم اسلام پس از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله یعنی امیر مؤمنان علی علیه السلام سپرده شد.

در این روز، با اعلان ولایت و جانشینی حضرت علی علیه السلام، نعمت الاهی تمام و دین اسلام تکمیل و سپس به عنوان تنها دین مورد

ص: ۲

\*\*\*

پسند حضرت حق اعلام گردید. این چنین شد که کفرورزان و مشرکان از نابودی دین اسلام مأیوس گشتند.

دیری نپایید که برخی اطرافیان پیامبر صلی الله علیه و آله،- با توطئه هایی از پیش مهیا شده- مسیر هدایت و راهبری را پس از رحلت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله منحرف ساختند، دروازه مدینه علم را بستند و مسلمانان را در تحیر و سردرگمی قرار دادند. آنان از همان آغازین روزهای حکومتشان، با منع کتابت احادیث نبوی، جعل احادیث، القای شبهات و تدلیس و تلبیس های شیطانی، حقایق اسلام را- که همچون آفتاب جهان تاب بود- پشت ابرهای سیاه شک و تردید قرار دادند.

بدیهی است که علی رغم همه توطئه ها، حقایق اسلام و سخنان دُررَبار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، توسط امیر مؤمنان علی علیه السلام، اوصیای آن بزرگوار علیهم السلام و جمعی از اصحاب و یاران باوفا، در طول تاریخ جاری شده و در هر برهه ای از زمان، به نوعی جلوه نموده است. آنان با بیان حقایق، دودلی ها، شبهه ها و پندارهای واهی شیاطین و دشمنان اسلام را پاسخ داده و حقیقت را برای همگان آشکار ساخته اند.

در این راستا، نام سپیده باورانی همچون شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، خواجه نصیر، علامه حلی، قاضی نورالله، میر حامد حسین، سید شرف الدین، امینی و ... همچون ستارگانی پرفروز می درخشد؛ چرا که اینان در مسیر دفاع از حقایق اسلامی و تبیین

\*\*\*

واقعیات مکتب اهل بیت علیهم السلام، با زبان و قلم، به بررسی و پاسخ گویی شبهات پرداخته اند ...

و در دوران ما، یکی از دانشمندان و اندیشمندانی که با قلمی شیوا و بیانی رسا به تبیین حقایق تابناک دین مبین اسلام و دفاع عالمانه از حریم امامت و ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام پرداخته است، پژوهشگر والامقام حضرت آیت الله سید علی حسینی میلانی، می باشد.

مرکز حقایق اسلامی، افتخار دارد که احیای آثار پُربار و گران سنگ آن محقق نستوه را در دستور کار خود قرار داده و با تحقیق، ترجمه و نشر آثار معظّم له، آن ها را در اختیار دانش پژوهان، فرهیختگان و تشنگان حقایق اسلامی قرار دهد.

کتابی که در پیش رو دارید، ترجمه یکی از آثار معظّم له است که اینک "فارسی زبانان" را با حقایق اسلامی آشنا می سازد.

امید است که این تلاش مورد خشنودی و پسند بقیّه الله الأعظم، حضرت ولی عصر، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد.

مرکز حقایق اسلامی

\*\*\*

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطاهرين، ولعنه الله على أعدائهم أجمعين من الأولين والآخرين.

در یکی از پژوهش های خود پیرامون روایتی چنین آوردم:

تمامی احادیثی که درباره مناقب خلفا آمده و اسامی آن ها را به ترتیب، بیان می دارند، بی تردید جعلی و ساختگی هستند.

برخی خوانندگان فاضل، از من خواستند که از طریق تحقیق در سندهای مختلف این قبیل احادیث - که در صحاح ششگانه و کتاب های معتبر یافت می شوند - این مطلب را اثبات نمایم.

بنابراین، به نگارش کتاب پیش رو همت گماشتم. در حین تحقیق متوجه شدم که نه تنها اخبار موجود در بخش فضایل؛ بلکه تقریباً همه احادیث این چینی در تمامی ابواب، جعلی و ساختگی هستند؛ حتی

\*\*\*

احادیثی که در آن ها آمده که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می فرمود: من به همراه ابوبکر، عمر و عثمان آمدم ... من به همراه ابوبکر، عمر و عثمان بیرون رفتم ... ابوبکر، عمر و عثمان کجا هستند ...

در این احادیث، گاهی پس از نام ابوبکر، عمر و عثمان، نام «علی علیه السلام» نیز مورد اشاره قرار گرفته و گاهی اشاره ای به آن حضرت نشده است. در برخی موارد نام «علی علیه السلام» پیش از عثمان ذکر شده، اما به هر حال، نام ابوبکر و عمر، پیش از نام علی علیه السلام و عثمان آمده است!

جالب تر این که حدیثی را یافتیم که دروغ گویان طی آن، چنین عبارت هایی را از زبان امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل کرده اند تا آن حضرت را معترف به فضایل خلفا نشان دهند و هیچ کس نتواند به مضمون حدیث، اعتراض نماید!

برای نمونه حدیثی را که بخاری و مسلم با دو سند متفاوت نقل کرده اند، ملاحظه کنید! بخاری می گوید: ولید بن صالح از عیسی بن یونس از عمر بن سعید بن ابی الحسین مکی از ابن ابی ملیکه از ابن عباس ...

و مسلم نیز می گوید: سعید بن عمرو اشعثی، ابوالریع عتکی

\*\*\*

و ابو کریب محمد بن علاء (عبارت از ابو کریب است) (۱) از ابن مبارک از عمر بن سعید بن ابی حسین نقل می کند که ابن ابی ملیکه می گوید: از ابن عباس شنیدم که می گفت:

وقتی عمر بن خطاب را در تابوت گذاشتند، مردم پیرامون او جمع شده بودند و پیش از آن که تابوت از زمین برداشته شود برایش دعا می کردند، فضایلش را می گفتند و بر او درود می فرستادند.

من نیز در میان آن ها بودم، ناگاه مردی از پشت، کتف مرا گرفت.

به عقب برگشتم دیدم علی است.

او نیز برای عمر، طلب رحمت کرد و خطاب به او گفت: کسی را بعد از خودت باقی نگذاردی تا من آرزوی آن را داشته باشم که با اعمالی همانند اعمال او خدا را ملاقات کنم. به خدا سوگند، فکر می کنم که خداوند تو را نزد دو هم صحبت (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (۲))

و ابوبکر) قرار می دهد؛ چرا که این عبارات را بسیار از رسول خدا صلی الله علیه و آله

ص: ۷

- 
- ۱- . گفتنی است ابوالربیع می گوید: برای ما روایت کرده اند؛ ولی این دو نفر اخیر می گویند: به ما خبر داد
  - ۲- . به رغم این که در منابع اهل سنت درود و صلوات پس از نام مبارک پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به صورت ناقص (ابتر) آمده است، ما طبق فرمایش حضرتش، درود و صلوات را به صورت کامل آورده ایم

\*\*\*

می شنیدم که می گفت: «من به همراه ابوبکر و عمر آمدم، من به همراه ابوبکر و عمر داخل شدم، من به همراه ابوبکر و عمر خارج شدم».

بنابراین امیدوارم- یا گمان می کنم- که خداوند تو را همراه آن دو قرار دهد. (۱) غیر از بخاری و مسلم، برخی دیگر هم چون ابن ماجه این حدیث را آورده اند. ابن ماجه این حدیث را به سند خود از عمر بن سعید، از ابن ابی ملیکه، از ابن عباس، روایت کرده است.

اما باید گفت که این حدیث جعلی است و امیر مؤمنان علی علیه السلام چنین سخنی را بر زبان نرانداده است؛ زیرا «ابن ابی ملیکه» که محور راویان این حدیث است، از بزرگ ترین دشمنان حضرت علی و اهل بیت علیهم السلام به شمار می آید تا آن جا که قاضی و مؤذن عبدالله بن زبیر بوده است. (۲) ذکر این نکته ضروری است که استدلال ما به این دسته روایات از باب الزام مخالف است.

ص: ۸

- 
- ۱- صحیح بخاری: ۳/ ۱۳۴۵ کتاب فضائل الصحابه، باب قول النبی صلی الله علیه وآله: لو كنت متخذاً خلیلاً، حدیث ۳۴۷۴، صحیح مسلم: ۵/ ۱۲ کتاب فضائل الصحابه، باب من فضائل عمر، حدیث ۲۳۸۹
  - ۲- تهذیب التهذیب: ۵/ ۲۷۲

\*\*\*

از خداوند متعال می خواهیم کارهای ما را برای حضرتش خالص گرداند و به ما در رسیدن به حق و پیروی از آن، توفیق عطا فرماید؛ چرا که او نیکوکار و مهربان است.

سید علی حسینی میلانی

ص: ۹



\*\*\*

## مژده بهشت به سه خلیفه ...

### اشاره

اهل سنت احادیثی را از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله نقل می کنند که در آن ها به فضایل و برتری های خلفا اشاره شده و آن ها را به ترتیب بیان می کنند. اینک به ۱۴ حدیث اشاره می کنیم و آن ها را بررسی و نقد می نمایم. نخستین حدیث از بخاری است.

بخاری در صحیح چنین نقل می کند:

ابوالحسن محمد بن مسکین، از یحیی بن حسان، از سلیمان، از شریک بن ابی نمر نقل می کند که سعید بن مسیب گوید:  
ابوموسی اشعری به من گفت:

روزی در خانه ام وضو گرفتم و آن گاه بیرون رفتم و با خود گفتم:

امروز ملازم رسول خدا صلی الله علیه وآله خواهم شد و این روز را با ایشان سپری خواهم کرد. از این رو به مسجد آمدم و سراغ پیامبر صلی الله علیه وآله را گرفتم.

گفتند: از مسجد خارج شد و به این سمت رفت.

ص: ۱۰

\*\*\*

من نیز در پی او از مسجد خارج شدم و سراغ او را گرفتم تا این که وارد آب انبار «أریس» شد. در این آب انبار از شاخه های بی برگ نخل درست شده بود، من کنار در آن نشستم تا این که رسول خدا صلی الله علیه و آله قضای حاجت کرد و وضو گرفت. من به سوی او رفتم و دیدم در وسط دیواره آب انبار أریس نشسته است، و لباسش را تا ساق هایش بالا زده و پاهایش را در چاه آب آویزان کرده است. به ایشان سلام کردم و بازگشتم و کنار در نشستم و با خود گفتم: امروز دربان رسول خدا صلی الله علیه و آله خواهم شد.

پس از اندک زمانی ابوبکر آمد و در را هُل داد. گفتم: کیستی؟!

گفت: ابوبکر.

گفتم: درنگ کن!

سپس به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتم و گفتم: ای رسول خدا! ابوبکر کسب اجازه می کند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به او اجازه بده و او را به بهشت مرده ده.

جلو آمدم و به ابوبکر گفتم: وارد شو، رسول خدا صلی الله علیه و آله تو را به بهشت مرده می دهد.

ابوبکر وارد شد، در سمت راست رسول خدا صلی الله علیه و آله بر

\*\*\*

روی دیواره چاه نشست و هم چون رسول خدا صلی الله علیه و آله لباسش را تا ساق هایش بالا زد و پاهایش را در چاه آویزان کرد.

آن گاه باز گشتم و کنار در نشستم تا برادرم (ابوبکر) وضو بگیرد و به من ملحق شود. با خود گفتم: اگر خداوند، به فلانی - منظور برادرش عمر است - خیر بخواهد او را می آورد. ناگاه دیدم یکی در را تکان می دهد.

گفتم: کیستی؟!

گفت: عمر بن خطاب.

گفتم: درنگ کن!

سپس به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدم، به او سلام کردم و گفتم: عمر بن خطاب اجازه می خواهد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: به او اجازه بده و او را به بهشت مرده ده.

آمدم و به عمر گفتم: وارد شو، رسول خدا صلی الله علیه و آله تو را به بهشت، مرده داد.

عمر وارد شد، در سمت چپ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، بر روی دیواره چاه نشست و پاهایش را در چاه، آویزان کرد.

سپس باز گشتم و کنار در نشستم و با خود گفتم: اگر خداوند، خیر فلانی را بخواهد او را می آورد. در این هنگام دیدم شخصی، در را

\*\*\*

تکان می دهد.

گفتم: کیستی!؟

گفت: عثمان بن عفان.

گفتم: درنگ کن!

آن گاه به نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله رفتم و موضوع را به وی اطلاع دادم.

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: به او اجازه بده و او را به خاطر مصیبتی که گریبان گیرش می شود به بهشت، مرده ده. کنار در آمدم و به عثمان گفتم: وارد شو، رسول خدا صلی الله علیه وآله تو را به خاطر مصیبتی که دامنگیرت می شود به بهشت مرده داد.

عثمان وارد شد و دید که دیواره چاه، پر شده است، از این رو در طرف دیگر که مقابل دیواره قرار داشت، نشست.

شریک می گوید: سعید بن مسیب گفت: من این گونه نشستن (رسول خدا، ابوبکر، عمر و عثمان) را بر چگونگی قرار گرفتن قبرهای آنان حمل کردم. (۱) مسلم نیشابوری نیز این روایت را به همین سند و با همین متن

ص: ۱۳

---

۱- صحیح بخاری: ۳/ ۱۳۴۳ و ۱۳۴۴، کتاب فضائل الصحابه، باب قول النبی صلی الله علیه وآله: لو کنت متخذاً خلیلاً، حدیث

آورده است. (۱) همین حدیث را بخاری با سند دیگر از یوسف بن موسی، از ابواسامه، از عثمان بن غیاث، از ابوعثمان نهدی، از ابوموسی نقل کرده است. (۲) مسلم نیز این حدیث را با سند از محمد بن مثنیٰ عنزی، از ابن ابی عدی، از عثمان بن غیاث، از ابوعثمان نهدی، از ابوموسی اشعری روایت کرده است. (۳) علاوه بر بخاری و مسلم، برخی دیگر نیز به بیان این حدیث پرداخته اند ...

### بررسی راویان حدیث ...

اینک راویان این حدیث ساختگی را بررسی می نمایم و به شرح حال آنان می پردازیم.

ص: ۱۴

- 
- ۱- صحیح مسلم: ۵/ ۲۰ و ۲۱ کتاب فضائل الصحابه، باب من فضائل عثمان بن عفان، ذیل حدیث ۲۴۰۳
  - ۲- صحیح بخاری: ۳/ ۱۳۵۰ و ۱۳۵۱ کتاب فضائل الصحابه، بخش فضائل عمر بن خطاب، حدیث ۳۴۹۰
  - ۳- صحیح مسلم: ۵/ ۱۹ و ۲۰ کتاب فضائل الصحابه، باب من فضائل عثمان بن عفان، حدیث ۲۴۰۳

### شریک بن ابی نمر ...

یکی از راویان این سند، شریک بن ابی نمر است، گرچه ابن معین درباره شریک گفته: روایات او قابل قبول است؛ اما دیگر راوی شناسان اهل سنت او را نپذیرفته اند.

برای نمونه در مورد دیگری ابن معین و نسائی گفته اند: شریک از نظر نقل حدیث قوی نیست.

ابن عدی می گوید: اگر راوی مورد اعتمادی از او روایت کند، او نیز مورد اعتماد خواهد بود.

یحیی بن سعید که یکی از راویان حدیث است از او روایت نقل نمی کرد.

ساجی درباره او می گوید: شریک قدری مذهب بوده است.

ابن حزم او را به خاطر نقل حدیث معراج، ضعیف شمرده است.

ذهبی بعد از نقل حدیث این گونه اظهار نظر کرده: این حدیث از عجایب صحیح بخاری است. (۱)

ص: ۱۵

### عثمان بن غیاث ...

عثمان بن غیاث از جمله راویان سند دوم است که راوی شناسان او را نیز نپذیرفته اند.

دوری به نقل از ابن معین می گوید: یحیی بن سعید، احادیث او در مورد تفسیر را، ضعیف دانسته است.

علی بن مدینی می گوید: از یحیی - یعنی قطن - شنیدم که می گفت: عثمان بن غیاث، کتاب هایی از عکرمه در اختیار دارد؛ اما صحت آن ها را برای ما تأیید نکرده است.

آجری از ابوداود نقل می کند که عثمان بن غیاث را جزء مرجئه (۱) بصره دانسته است.

احمد می گوید: وی طرفدار دیدگاه مرجئه بوده است. (۲)

### ابواسامه ...

گفتنی است که بخاری این روایت را از ابواسامه (همان حماد بن اسامه) به نقل از عثمان بن غیاث ذکر کرده است.

این راوی نیز مورد خدشه واقع شده است. از دی به نقل از معیطی

ص: ۱۶

---

۱- . مُرَجَّه: گروهی از مسلمانان بودند که می گفتند: با ایمان هیچ گناهی ضرر نرساند

۲- . تهذیب التهذیب: ۷ / ۱۲۹ - ۱۳۰، میزان الاعتدال: ۵ / ۶۵

\*\*\*

می گوید: ابواسامه بسیار تدلیس می کرد، اما بعدها این کار را ترک نمود.

ابن سعد درباره ابواسامه می گوید: وی تدلیس می کند و تدلیس او روشن است.

در مورد اسامه، از سفیان ثوری این گونه نقل شده است:

من در شگفتم که چگونه احادیث ابواسامه، جایز شمرده می شود و حال آن که حال او معلوم بود و در سرقت احادیث خوب، بر همه پیشی می گرفت.

آجری از ابوداود نقل می کند که وکیع گفت: ابواسامه کتاب هایش را زیر زمین پنهان کرده بود، از این رو من او را از عاریه گرفتن کتاب باز داشتم. (۱)

ص: ۱۷



\*\*\*

## دیدار در خانه ...

### اشاره

دومین حدیث ساختگی را از مسلم نیشابوری نقل می کنیم.

مسلم در صحیح خود این گونه نقل می کند:

عبدالملک بن شعیب بن لیث بن سعد، از پدرش، از پدر بزرگش، از عقیل بن خالد، از ابن شهاب، از یحیی بن سعید بن عاص، از سعید بن عاص نقل می کند که عایشه همسر رسول خدا صلی الله علیه وآله و عثمان این گونه گفتند:

روزی پیامبر خدا صلی الله علیه وآله روانداز عایشه را به تن کرده و بر روی بستر خود استراحت می کرد. در این هنگام ابوبکر اجازه خواست تا نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله بیاید.

رسول خدا صلی الله علیه وآله در همان حالت به ابوبکر اجازه ورود داد. ابوبکر کارش را با پیامبر در میان گذاشت و پیامبر حاجت او را روا ساخت و رفت.

\*\*\*

آن گاه عمر اجازه ورود خواست. پیامبر صلی الله علیه وآله با همان حالت به او اجازه داد. عمر نیز کارش را با پیامبر در میان گذاشت و پیامبر حاجت او را روا ساخت و رفت.

عثمان می گوید: آن گاه من از پیامبر اجازه خواستم. پیامبر نشست و به عایشه گفت: لباست را مرتب کن!

من کارم را با رسول خدا صلی الله علیه وآله در میان گذاشتم و پیامبر حاجت مرا روا ساخت و خارج شدم.

در این هنگام عایشه گفت: ای رسول خدا! چرا خود را برای دیدار با عثمان آماده کردید، ولی برای دیدار با ابوبکر و عمر، خود را آماده نکردید؟!

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: عثمان، مرد باحیایی است و اگر در همان حالت به او اجازه ورود می دادم، بیم آن می رفت که کارش را با من در میان نگذارد. (۱)

### بررسی راویان حدیث ...

راویان این حدیث ساختگی نیز به بررسی نیاز دارد؛ چرا که رجال شناسان درباره آن ها دیدگاه متفاوتی دارند.

ص: ۱۹

---

۱- صحیح مسلم: ۵/۱۸-۱۹، کتاب فضائل الصحابه، باب من فضائل عثمان بن عفان، حدیث ۲۴۰۲

### عقیل بن خالد ...

یکی از راویان این سند عقیل بن خالد است. هر چند ابوحاتم درباره او می گوید: عقیل بن خالد حافظ حدیث نبود، صاحب کتاب و راستگو بود؛ اما ماجشون درباره او می گوید: عقیل، پاسبان بوده است.

ذهبی می گوید: گفته اند که عقیل والی ایله (یکی از شهرهای شام) بوده است.

یحیی قطان عقیل را در نقل حدیث ضعیف می دانست. (۱)

### زهری ...

در این سند، نام «ابن شهاب»؛ یعنی «زهری» نیز به چشم می خورد. وی از مشهورترین افرادی است که از راه امیر مؤمنان علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام منحرف شده بود و از آنان بدگویی می کرد و به منظور کاستن از شأن آنان و بیان برتری دیگران و مقدم داشتن دیگران بر اهل بیت علیهم السلام، حدیث جعل می کرد.

ابن ابی الحدید در این زمینه می نویسد:

زهری از جمله افرادی است که از راه امیرالمؤمنین علیه السلام منحرف شده بود. جریر بن عبدالحمید روایت می کند که

محمد بن

ص: ۲۰

\*\*\*

شبهه می گوید: روزی به مسجد مدینه رفتم، ناگاه دیدم که زهری و عروه بن زبیر نشسته اند و سخن از علی علیه السلام به میان آورده و از آن حضرت بدگویی می کنند.

این خبر به گوش علی بن الحسین علیه السلام رسید؛ از این رو به نزد آن دو رفت، بالای سرشان ایستاد و فرمود: ای عروه! پدرم از پدرت به خدا شکایت برد و خداوند به نفع پدرم و به زیان پدرت، حکم کرد. و اما تو ای زهری! اگر در مکه بودم جایگاه پدرت را به تو نشان می دادم.

ابن ابی الحدید می افزاید: عاصم بن ابوعامر بجلی از فرزند عروه نقل می کند که یحیی بن عروه می گفت: هر گاه پدرم از علی نام می بُرد، از او بدگویی می کرد. (۱) ابن عبدالبرّ نیز درباره زهری این گونه اظهار نظر می کند: معمر در کتاب جامع خود به نقل از زهری می نویسد: زید بن حارثه نخستین کسی است که اسلام آورد.

عبدالرزاق درباره این سخن می گوید: غیر از زهری هیچ کس چنین ادّعایی نکرده است. (۲) معنای سخن بالا این است که زهری دروغ گفته است؛ زیرا

ص: ۲۱

---

۱- شرح نهج البلاغه: ۱۰۲/۴

۲- الاستیعاب: ۱۱۷/۲، شرح حال زید بن حارثه

\*\*\*

امیر مؤمنان علی علیه السلام نخستین کسی بود که اسلام آورد، اما زهری می خواست این منقبت و فضیلت را انکار یا پنهان کند.

از این گذشته، دشمنی زهری با اهل بیت علیهم السلام به جایی رسید که باعث شد از زبان عمر بن سعد بن ابی وقاص نیز به نقل روایت پردازد! ذہبی در این باره می نویسد:

عمر بن سعد بن ابی وقاص به نقل از پدرش و ابراهیم و ابواسحاق نیز به نقل از عمر سعد نقل روایت کرده اند. زهری و قتاده به طور مرسل از عمر سعد روایت کرده اند.

ابن معین می گوید: چگونه قاتل حسین علیه السلام می تواند فردی ثقه و مورد اعتماد باشد؟! (۱) باید گفت که زهری از حامیان، کارگزاران و تقویت کنندگان پنهان حکومت اموی بوده است تا جایی که شیخ محدّث، عبدالحقّ دهلوی در کتاب رجال المشکاه، در شرح حال او می نویسد:

زهری به واسطه هم نشینی با امرا، دستخوش ضعف ایمان شده بود. علما و پارسایان نزدیک به وی، بر او خرده می گرفتند و زشتی هم نشینی با امرا را به او گوشزد می کردند.

زهری همواره می گفت: من در خیر آن ها شریکم و از شرّشان

ص: ۲۲

دوری می‌گزینم!

علما و پارسایان به او می‌گفتند: آیا عقاید و کردار باطل آن‌ها را نمی‌بینی و سکوت می‌کنی؟!

ابن خلکان می‌گوید: زهری به ملازمت خود با عبدالملک ادامه داد و پس از او نیز ملازم هشام بن عبدالملک بود. یزید بن عبدالملک برای داوری و قضاوت از او کمک می‌گرفت. (۱) به همین جهت است که ابن معین به بدگویی از زهری پرداخته است، حاکم نیشابوری به نقل از ابن معین می‌گوید: بهترین سندها آن است که اعمش از ابراهیم، از علقمه، از عبدالله نقل روایت کرده است.

شخصی به ابن معین گفت: اعمش نیز همانند زهری است.

ابن معین گفت: تو اعمش را با زهری یکی می‌دانی؟! زهری در پی پست و مقام است و برای امویان کار می‌کند؛ اما اعمش، فقیری شکیبی و پارسایی عالم به قرآن است و از سلاطین دوری می‌کند. (۲) به همین جهت امام زین العابدین علیه السلام، نامه‌ای نصیحت آمیز به زهری نوشت، او را به خدا و جهان آخرت متذکر شد و آثار سوء زندگی در کاخ سلاطین را به او گوشزد کرد. در بخشی از این نامه آمده است:

ص: ۲۳

---

۱- .وفیات الاعیان: ۴/ ۱۷۸، شرح حال زهری

۲- .تهذیب التهذیب: ۴/ ۲۰۴، شرح حال اعمش

\*\*\*

... واعلم أنّ أدنى ما كتمت وأخفّ ما احتملت أن آنست وحشه الظالم، وسهلت له طريق الغي ... أو ليس جعلوك قطباً أداروا بك رحي مظالمهم، وجسراً يعبرون عليك إلى بلاياهم، وسلماً إلى ضلالتهم، داعياً إلى غيهم، سالكاً سييلهم ...

إحذر، فقد بُتت؛ وبادر، فقد أُجّلت ... ولا- تحسب أنّي أردت توبيخك بدعائه إياك وتعنيفك وتعيرك، لكنني أردت أن ينعش الله ما [قد] فات من رأيك، ويردّ إليك ما عزب من دينك ...

أما ترى ما أنت فيه من الجهل والغرّه، وما الناس فيه من البلاء والفتنه؟! ...

أما بعد فأعرض عن كلّ ما أنت فيه حتى تلحق بالصالحين الذين دُفِنوا في أسماهم، لا صقّه بطونهم بظهورهم ...

مالك لا تنتبه من نعستك؟! وتستقيل من عثرتك! فتقول: والله ما قمتُ لله مقاماً واحداً ما أحييت به له ديناً، أو أمتُّ له فيه باطلاً ...؛ (۱)

... بدان که دل نگرانی ستمگر را به آسودگی تبدیل کرده ای و راه

ص: ۲۴

---

۱- . تحف العقول عن آل الرسول: ۲۷۴-۲۷۷، إحياء العلوم: ۱۴۳/۲

\*\*\*

گمراهی را برای او آسان ساخته ای و این کمترین کتمان و سبک ترین باری است که بر دوش خود نهاده ای ...

آیا آنان تو را به محور آسیاب ستم های خویش تبدیل نکرده اند؟

آیا از تو پلی نساخته اند که محل گذار آنان به مصیبت هایشان باشد؟

آیا تو را به عنوان نردبان گمراهی، مبلغ ضلالت و گمراهی و رهرو طریق خود مورد استفاده قرار نداده اند؟ ...

به هوش باش که تو را خبر دادم و شتاب کن که تأخیر کرده ای ... گمان مبر که با این سخنان، در پی توییخ، نکوهش و طعنه زدن به تو هستم؛ بلکه می خواهم که خداوند، نظرات نادرست تو را جبران نماید و آن چه را که از دینت رخت بر بسته به تو باز گرداند ...

آیا جهل و فریفتگی خود را نمی بینی؟!

آیا مردم مبتلا به مصیبت ها و فتنه ها را مشاهده نمی کنی؟! ...

اما بعد، از همه آن چه در آن قرار داری روی بگردان تا به درستکاران بیوندی؛ درستکارانی که در جامه های کهنه خود به خاک سپرده شده اند و شکم هایشان به پشتهایشان چسبیده است ...

چرا از خواب (غفلت) بیدار نمی شوی؟!

چرا دست از لغزش بر نمی داری با این که می گویی:

به خدا سوگند! هیچ گاه برای خدا به پا نخاسته ام تا دین او را زنده کنم و یا باطلی را به خاطر او نابود سازم ...



## سخنی با کوه حرا ...

### اشاره

سومین حدیث ساختگی را مسلم در صحیح خود، در بخش فضایل طلحه و زبیر آورده است. وی می نویسد:

عبداللّه بن محمد بن یزید بن خنیس و احمد بن یوسف ازدی، از اسماعیل بن ابواویس، از سلیمان بن بلال، از یحیی بن سعید، از سهیل بن ابوصالح، از پدرش نقل می کند که ابوهریره می گوید:

روزی رسول خدا صلی اللّه علیه وآله که در کوه حرا بود، ناگاه کوه حرکت کرد. پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله فرمود: ای کوه حرا! آرام باش! روی تو جز پیامبر، یا صدیق و یا شهیدی قرار ندارد.

روی کوه حرا پیامبر صلی اللّه علیه وآله، ابوبکر، عمر، عثمان، علی، طلحه، زبیر و سعد بن ابی وقاص بودند. (۱)

ص: ۲۶

---

۱- صحیح مسلم: ۳۳/۵ و ۳۴، کتاب فضائل الصحابه، باب من فضائل طلحه و زبیر، ذیل حدیث ۲۴۱۷

### بررسی و نقد حدیث ...

در این حدیث، اسامی خلفا به ترتیب خلافت از زبان پیامبر خدا صلی الله علیه وآله ذکر نشده است؛ ولی ما از دو جهت به بیان آن پرداختیم:

نخست آن که مسأله ترتیب اسامی خلفا در قالب الفاظی دیگر در همین حدیث، از زبان پیامبر صلی الله علیه وآله جعل شده است.

دوم آن که این حدیث- علاوه بر اثبات ترتیب- در پی آن است که از زبان پیامبر صلی الله علیه وآله، صفت «صدیق» را به ابوبکر و صفت «شهید» را به همه افراد بعدی، نسبت دهد؛ اما باید گفت که این حدیث، از دو جهت جعلی و ساختگی است: نخست متن حدیث و دیگری سند آن.

#### ۱. متن حدیث

با صرف نظر از ذکر عنوان شهید برای این افراد- جز امیر مؤمنان علی علیه السلام- بیان این نکته ضروری است که سعد بن ابی وقاص در قصر خود به مرگ طبیعی از دنیا رفت! به همین جهت در صحیح مسلم، در حدیث قبل از این حدیث، به نام سعد اشاره ای نشده است که خود نکته ای در خور تأمل است؛ ولی برخی برای اصلاح معنای حدیث گفته اند: سعد بن ابی وقاص در اثر ابتلا به طاعون

\*\*\*

درگذشت و هر کس در اثر این بیماری از دنیا برود شهید به شمار می رود! (۱) ۲. سند حدیث

در بررسی راویان این حدیث، با چشم پوشی از بررسی راویان دیگر فقط نگاه کوتاهی به شرح حال اسماعیل بن ابواویس داریم که راوی شناسان درباره او اظهارات متفاوتی دارند.

نسائی درباره اسماعیل می گوید: او در نقل حدیث ضعیف است. (۲) یحیی بن معین می گوید: اسماعیل و پدرش به سرقت حدیث می پردازند.

دولابی نیز در بحث راویانی که از نظر نقل حدیث ضعیف اند می گوید: از نضر بن سلمه مروزی شنیدم که می گفت: اسماعیل بن ابواویس، بسیار دروغ گوست.

ذهبی پس از نقل این سخن می گوید: ابن عدی از زبان اسماعیل، به نقل سه حدیث پرداخت و گفت: وی از زبان دایی خود مالک،

ص: ۲۸

---

۱- . ر. ک: الشفاء و شرح آن، نسیم الرياض: ۳/ ۱۹۲

۲- . الضعفا والمتروکون: ۵۱

احادیث غریبی را نقل کرده که مورد اعتماد هیچ کس نیست. (۱) ابراهیم بن جنید از یحیی این گونه نقل می کند: اسماعیل بن ابواویس، یاوه گو و دروغ پرداز است و به هیچ عنوان، معتبر نیست. (۲) ابن حزم در المحلّی می نویسد:

ابوالفتح ازدی می گوید: سیف بن محمد به من گفت: به راستی که ابن ابواویس، حدیث جعل می کرد. (۳) عینی نیز درباره اسماعیل اظهار نظر کرده و می گوید: او خود به جعل حدیث، اعتراف کرده و نسائی نیز همین مطلب را از سلمه بن شعیب به نقل از خود ابن ابواویس، ذکر نموده است. (۴)

ص: ۲۹

---

۱- میزان الاعتدال: ۱/ ۳۷۹-۳۸۰

۲- تهذیب التهذیب: ۱/ ۲۸۰

۳- همان: ۱/ ۲۸۱

۴- عمدہ القاری: ۱/ ۸، الفائده السابعه

\*\*\*

## سخنی از پیامبر در هنگام بیماری ...

### اشاره

چهارمین حدیث ساختگی را ابن ماجه درباره فضایل عثمان آورده است. وی در سنن خود می نویسد:

محمد بن عبدالله بن نمیر و علی بن محمد، از وکیع، از اسماعیل بن ابوخالد، از قیس بن ابوحازم نقل می کند که عایشه گفت:

رسول خدا صلی الله علیه وآله در هنگام بیماری خود فرمود: دوست دارم یکی از اصحابم کنار من باشد.

گفتیم: ای رسول خدا! ابوبکر را به نزدتان بخوانیم؟

پیامبر صلی الله علیه وآله سکوت کرد.

گفتیم: عمر را به نزدتان بخوانیم؟

پیامبر صلی الله علیه وآله سکوت کرد.

گفتیم: عثمان را به نزدتان بخوانیم؟

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: آری.

\*\*\*

ما عثمان را صدا زدیم و آمد و با رسول خدا صلی الله علیه وآله خلوت کرد. پیامبر صلی الله علیه وآله با او سخن می گفت و چهره عثمان تغییر می کرد.

قیس می گوید: ابوسهله غلام عثمان به من گفت: عثمان بن عفان در یوم الدار گفت: رسول خدا صلی الله علیه وآله با من عهدی نمود و من به سوی آن عهد حرکت می کنم.

علی بن محمد این حدیث را با این تفاوت آورده است که عثمان گفت: و من بر آن عهد، صبر می کنم.

قیس می گوید: این اعتقاد، وجود داشت که این عهد، همان روز گذشته شدن عثمان است. (۱) حاکم نیشابوری این روایت را به سند خود از اسماعیل بن ابوخالد، از قیس ابن ابوحازم، از ابوسهله (غلام عثمان)، از عایشه نقل کرده است ...

حاکم در ادامه می گوید: سند این حدیث، صحیح است؛ اما مسلم و بخاری آن را نقل نکرده اند. (۲)

ص: ۳۱

---

۱- سنن ابن ماجه: ۱/ ۱۲۹ و ۱۳۰، باب فی فضائل أصحاب رسول الله، حدیث ۱۱۳

۲- المستدرک علی الصحیحین: ۳/ ۱۰۶، کتاب معرفه الصحابه، حدیث ۴۵۴۳

### بررسی و نقد حدیث ...

یکی از راویان این سند قیس ابن ابوحازم است. راوی شناسان درباره قیس سخنان متفاوتی دارند.

ذهبی و ابن حجر سخنی را از یعقوب بن شیبه سدوسی درباره وی نقل کرده اند. ابن حجر در میزان الاعتدال این گونه می نویسد:

اصحاب ما در مورد قیس سخن گفته اند. برخی او را گراندگر و بزرگ دانسته اند و احادیث منقول از او را جزء صحیح ترین سندها دانسته اند؛ اما برخی به او حمله کرده و گفته اند:

قیس احادیث ناشناخته ای را روایت کرده است.

کسانی که به تعریف و تمجید قیس پرداخته اند، این احادیث را ناشناخته فرض نکرده اند؛ بلکه آن ها را در زمره احادیث عجیب، قرار داده اند. برخی دیگر نیز مکتب قیس را مورد حمله قرار داده اند و گفته اند: او به علی علیه السلام می تاخت.

آن چه از قیس مشهور است این است که او عثمان را بر علی علیه السلام مقدم می داشت. از این رو بسیاری از کوفیان پیشین از او حدیث نقل نکرده اند. (۱) جلال الدین سیوطی نیز درباره او سخن گفته است. وی در

ص: ۳۲

\*\*\*

تدریب الراوی در ضمن مطلب سودمندی می نویسد:

در این جا می خواهیم به ذکر افرادی پردازم که به بدعت متهم شده اند و بخاری و مسلم یا یکی از این دو، به نقل حدیث از آن ها پرداخته اند.

آن گاه سیوطی قیس بن ابوحازم را جزء کسانی می داند که به دشمنی با علی علیه السلام متهم شده اند. [\(۱\)](#)

ص: ۳۳



\*\*\*

## فضایل ناشناخته ...

### اشاره

پنجمین حدیث ساختگی را ترمذی در بخش «فضایل معاذ بن جبل، زید بن ثابت، ابی بن کعب و ابو عبیده بن جراح» آورده است. وی در سنن خود این حدیث را با دو سند می آورد:

۱. سفیان بن وکیع، از حمید بن عبدالرحمان، از داوود عطار، از معمر، از قتاده نقل می کند که انس بن مالک گفت: رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

ابوبکر مهربان ترین شخص برای امت، عمر سخت گیرترین فرد در دستورات الهی، عثمان بن عفان باحیاطترین فرد، معاذ بن جبل داناترین فرد به حلال و حرام، زید بن ثابت داناترین فرد به احکام تقسیم ارث و ابی بن کعب فصیح ترین قاری کتاب خدا در امت من هستند. هر امتی امینی دارد و امین این امت، ابو عبیده بن جراح است.

این حدیثی است حسن و عجیب که به جز از قتاده، آن را دیگران

\*\*\*

نقل نکرده اند.

نظیر این حدیث را ابوقلابه، از انس، از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت کرده است و حدیث ابوقلابه مشهورتر است.

۲. محمد بن بشار، از عبدالوهاب بن عبدالمجید ثقفی، از خالد حذاء، از ابوقلابه نقل می کند که انس بن مالک گفت:

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

ابوبکر مهربان ترین شخص برای امت من، عمر سخت گیرترین فرد در دستورات الهی، عثمان باحیاطترین فرد، ابی بن کعب فصیح ترین قاری کتاب خدا، زید بن ثابت داناترین فرد به احکام تقسیم ارث و معاذ بن جبل داناترین فرد به حلال و حرام در امت من هستند.

آگاه باشید که هر امتی امینی دارد و امین این امت، ابوعمیده بن جراح است.

این حدیث، حسن و صحیح است. (۱) البته افراد دیگری نیز این حدیث را نقل کرده اند، از جمله ابن ماجه این حدیث را با دو سند این گونه نقل می کند:

۱. محمد بن مثنی، از عبدالوهاب بن عبدالمجید، از خالد حذاء،

ص: ۳۵

---

۱- سنن ترمذی: ۴۳۵ / ۵ کتاب المناقب، حدیث ۳۸۱۵ و ۳۸۱۶

\*\*\*

از ابوقلابه نقل می کند که انس بن مالک گفت: رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: ابوبکر مهربان ترین شخص برای امت من ...

۲. علی بن محمد همانند ابن قدامه، همین روایت را از وکیع، از سفیان، از خالد حدّاء، از ابوقلابه روایت کرده است ... (۱)

حاکم نیشابوری نیز این حدیث را ذکر کرده و می گوید:

عبدالرحمان بن حمدان جلاب در همدان، از ابوحاتم رازی، از محمّد بن یزید بن سنان رهاوی، از ابومحمد کوثر بن حکیم حلبی، از نافع نقل می کند که ابن عمر می گوید:

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: ابوبکر مهربان ترین فرد برای امت من است، عمر قاطع ترین فرد در دستورات الهی، عثمان باحیاط ترین فرد، ابی بن کعب فصیح ترین قاری قرآن، زید بن ثابت داناترین فرد به احکام تقسیم ارث، علی بن ابی طالب داناترین فرد به احکام قضاوت، معاذ بن جبل داناترین فرد به حلال و حرام و ابوذر راست گوترین فرد در میان امت من هستند. به راستی که ابو عبیده بن جراح، امین این امت است و عالم دینی این امت عبدالله بن عباس است. (۲)

ص: ۳۶

---

۱- سنن ابن ماجه: ۱/ ۱۶۱-۱۶۲، باب فی فضائل أصحاب رسول الله، حدیث ۱۵۴ و ۱۵۵

۲- المستدرک علی الصحیحین: ۳/ ۶۱۶، کتاب معرفه الصحابه، حدیث ۶۲۸۱

### بررسی راویان حدیث ...

آن چه آوردیم، مهم ترین سندهای این حدیث در معتبرترین کتاب های اهل سنت است که حدیث به دروغ به رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت داده شده است و اگر بخواهیم سندهای آن را کامل بررسی و ارزیابی کنیم، از هدف این کتاب دور خواهیم شد؛ از این رو تنها به بررسی بخش بسیار کوچکی از سندهای این حدیث می پردازیم.

### سفیان بن وکیع ...

در سند نخست حدیث که ترمذی آن را نقل کرده است، نام سفیان بن وکیع به چشم می خورد. راوی شناسان درباره او این گونه اظهار نظر کرده اند:

بخاری می گوید: علما به خاطر مطالبی که به سفیان یاد داده بودند بر او ایراد می گرفتند.

ابوزرعه درباره او می گوید: سفیان به دروغ گویی متهم است.

ابن ابی حاتم می گوید: از پدرم در مورد سفیان سؤال شد، پاسخ داد: او در نقل حدیث سهل انگار است.

نسائی درباره او می گوید: سفیان فرد ثقه و مورد اعتماد نیست.

وی در جای دیگر می گوید: سفیان فرد ارزشمندی نیست.

آجری در مورد سفیان می گوید: ابوداود از نقل روایت های وی

\*\*\*

خودداری کرده است.

ذهبی او را در زمره کسانی که از نظر نقل حدیث ضعیفند قرار داده است.

ابن حجر می گوید: سفیان گرفتار کاتب خود شد که احادیثی را به نقل از او می نوشت که جزء احادیث او نبود. سفیان را در این باره نصیحت کردند، اما نپذیرفت؛ بنابراین، احادیث او از درجه اعتبار، ساقط است. (۱)

### داوود عطار ...

داوود عطار نیز یکی دیگر از راویان سلسله سند نخست ترمذی است.

حاکم نیشابوری می گوید: یحیی بن معین درباره داوود می گوید:

احادیث او ضعیف است.

ازدی می گوید: علما حرف و حدیث هایی در مورد او می گویند. (۲)

ص: ۳۸

---

۱- میزان الاعتدال: ۳/ ۲۴۹، تهذیب التهذیب: ۴/ ۱۱۱-۱۱۲، تقریب التهذیب: ۱/ ۳۷۲، المغنی فی الضعفاء: ۱/ ۴۱۹

۲- میزان الاعتدال: ۳/ ۱۸، تهذیب التهذیب: ۳/ ۱۷۳

### قَتَادَه ...

قَتَادَه نيز يکي از راويان سلسله سند نخست ترمذی است.

وی قَدَری مذهب بود و این مکتب را تبلیغ می کرد و از طرف دیگر، مشهور به تدلیس بود.

شعبی می گوید: قَتَادَه احادیث صحیح را با غیر صحیح درمی آمیزد. (۱)

### محمّد بن بشار ...

از راويان سند دوم ترمذی، محمّد بن بشار است.

فلاس او را دروغ گو دانسته است.

دورقی می گوید: یحیی بن معین را دیدم که به او اعتنایی نمی کند و او را در نقل حدیث، تضعیف می کرد.

قواریری را دیدم که او را نمی پسندید.

وی صاحب حَمَام بوده است. (۲)

### عبدالوهاب بن عبدالمجید ...

یکی دیگر از راويان این سند، عبدالوهاب بن عبدالمجید است.

ص: ۳۹

---

۱- تهذیب التهذیب: ۸/ ۳۰۷-۳۰۹ و دیگر منابع اهل سنت

۲- میزان الاعتدال: ۶/ ۷۹

\*\*\*

ابن ابی حاتم درباره او می گوید: از پدرم درباره عبدالوہاب پرسیدم، گفت: او فرد ناشناخته است.

ابن مهدی وی را در زمره کسانی قرار داده است که از کتاب های دیگران نقل حدیث می کرد، اما نمی توانست این احادیث را به خوبی حفظ کند.

دوری به نقل از ابن معین می گوید: وی در پایان عمر، دچار پریشان گویی شد.

ابوداوود می گوید: او اختلال حواس یافت.

عقیلی وی را در شمار راویان ضعیف ذکر کرده است. (۱)

### خالد حذاء ...

راوی دیگر این سند خالد حذاء است. ابوحاتم درباره او می گوید: حدیث خالد نوشته می شود؛ ولی بدان احتجاج و استدلال نمی شود.

عقیلی در تاریخ خود از یحیی بن آدم به نقل از ابوشهاب می نویسد: شعبه به من گفت: به حجاج بن ارطاه و محمد بن اسحاق اعتماد کن؛ چرا که آنان در زمره حافظان حدیث هستند، اما در میان

ص: ۴۰

\*\*\*

مردم بصره، احادیث خالد حذّاء و هشام را از من پنهان دار.

یحیی می گوید: به حمّاد بن زید گفتم: خالد حذّاء چه ایرادی دارد؟

گفت: او از شام به نزد ما آمد؛ ما حافظ بودن او را قبول نداریم.

عبّاد بن عبّاد می گوید: شعبه می خواست از خالد بدگویی کند. من و حمّاد بن زید به نزد شعبه رفتیم و به او گفتیم: تو را چه شده؟ دیوانه شده ای؟!

آن گاه شعبه را تهدید کردیم و او نیز سکوت اختیار کرد.

عقیلی از طریق احمد بن حنبل این گونه نقل می کند: یکی از احادیث خالد را برای ابن علیّه روایت کردند. ابن علیّه به آن حدیث توجّهی نکرد و خالد را در نقل روایات تضعیف کرد.

ابن حجر می گوید: به نظر می آید که سخنان اینان درباره خالد از آن روست که حمّاد بن زید به این مطلب اشاره کرده که خالد در پایان عمر، دچار دگرگونی حافظه گردید و یا از آن جهت است که خالد به جرگه کارگزاران سلطان درآمده بود، و خداوند آگاه تر است. (۱)

ص: ۴۱



### ابوقلابه ...

راوی دیگر این سند، ابوقلابه عبدالله بن زید جرمی است. او علی علیه السلام را دشمن می داشت و نسبت به آن حضرت بی ادبی می کرد. به همین جهت هیچ روایتی را از علی علیه السلام نقل نکرده است.

از طرف دیگر، همگان معتقد بودند که ابوقلابه در حدیث تدلیس می کرده؛ چه از کسانی که آن ها را دیده بود و چه از کسانی که آن ها را ندیده بود.

درباره ابوقلابه، از ابوالحسن قابسی مالکی چنین نقل شده است:

ابوقلابه از فقهای تابعین نیست و از دیدگاه مردم، وی از ابلهان به شمار می آمد. (۱)

### دو نکته جالب ...

بنابر آن چه گذشت موقعیت سند حدیث ابن ماجه نیز روشن شد.

درباره سند این حدیث دو نکته نیز قابل بحث است:

نخست: این حدیث - افزون بر آن چه گذشت - به طور مرسل نقل شده است. ابن حجر عسقلانی در فتح الباری و نیز دیگر شارحان صحیح بخاری به این نکته تصریح کرده اند. مناوی در شرح خود

ص: ۴۲

\*\*\*

می نویسد:

ابن حجر در فتح الباری می گوید: ترمذی و ابن حبان این حدیث را به صورت مفصل، از طریق عبدالوهاب ثقفی به نقل از خالد حذاء آورده اند. این حدیث با کلمه «مهربان ترین» آغاز می شود و سند آن صحیح است، ولی حافظان احادیث گفته اند: درست آن است که آغاز این حدیث، مرسل است و قسمتی که به سند متصل از حدیث آمده همان است که بخاری به آن بسنده کرده است. (۱) دوم: راوی این حدیث انس بن مالک است که در موارد متعددی به دروغ گویی و خیانت، دست یازیده است. بنابراین نمی توان به او اعتماد کرد.

### راویان حدیث سند حاکم نیشابوری ...

محمد بن یزید رهاوی

یکی از راویان این حدیث در سند حاکم نیشابوری، محمد بن یزید بن سنان رهاوی است. راوی شناسان به او ایراد گرفته اند.

دارقطنی درباره محمد بن یزید می گوید: او از نظر نقل حدیث ضعیف است.

ص: ۴۳

\*\*\*

نسائی می گوید: محمد بن یزید در نقل حدیث قوی نیست.

ابن ابی حاتم می گوید: از پدرم درباره او پرسیدم. پاسخ داد:

محمد بن یزید راوی با ارزشی نیست و از پدرش غافل تر است.

بخاری می گوید: ابوفروه مُقارب الحدیث (۱) است، اما پسرش محمد، روایات ناشناخته ای را از زبان او نقل کرده است.

آجری نیز در این باره سخن گفته است. او به نقل از ابوداؤد می گوید: ابوفروه جزری راوی با ارزشی نیست و پسرش نیز همین گونه است.

ترمذی می گوید: روایات محمد بن یزید قابل اعتماد نیستند و او از نظر نقل حدیث ضعیف است.

ابن حجر می گوید: محمد بن یزید در نقل حدیث قوی نیست. (۲) ذهبی شرح حال او را در کتاب المغنی فی الضعفاء آورده است. (۳) کوثر بن حکیم

از دیگر راویان سند حاکم کوثر بن حکیم است. بخاری درباره او در الضعفاء والمتروکین می گوید: احادیث کوثر بن حکیم ناشناخته است.

ص: ۴۴

---

۱- مقارب الحدیث، به کسی اطلاق می شود که در زمینه حدیث، متوسط الحال است

۲- میزان الاعتدال: ۶/ ۳۷۲، تهذیب التهذیب: ۹/ ۴۵۲، تقریب التهذیب: ۲/ ۱۴۷

۳- المغنی فی الضعفاء: ۲/ ۳۸۸

\*\*\*

نسائی نیز در الضعفاء والمتروکین می گوید: کوثر بن حکیم متروک الحدیث است (احادیث او مورد توجه قرار نمی گیرد).

ابوزرعه درباره او می گوید: کوثر بن حکیم از نظر نقل حدیث ضعیف است.

ابن معین می گوید: او به حساب نمی آید.

احمد می گوید: احادیث او باطل است.

دارقطنی می گوید: احادیث او متروک است.

ذهبی در المغنی فی الضعفاء می گوید: عالمان حدیثی او را رها کردند؛ چرا که وی روایات عجیبی دارد. (۱) بنا بر آن چه گذشت، روشن شد که حق با کسانی است که نه تنها این حدیث را ضعیف دانسته اند؛ بلکه جعلی بودن آن را ترجیح داده اند. (۲)

ص: ۴۵

---

۱- ر. ک: کتاب های مذکور و نیز المیزان: ۵/۵۰۴، لسان المیزان: ۴/۵۸۹-۵۹۰

۲- فیض القدیر: ۱/۵۸۹

## خلفا و ساخت مسجد پیامبر ...

### اشاره

ششمین حدیث ساختگی را حاکم نیشابوری در بخش «فضایل عثمان» آورده و آن را بنابر معیارهای مورد نظر بخاری و مسلم، صحیح دانسته است. آن روایت این گونه است:

ابوعلی حافظ، از ابوبکر محمد بن محمد بن سلیمان، از ابو عبیدالله احمد بن عبدالرحمان بن وهب، از عمویش، از یحیی بن ایوب، از هشام بن عروه، از پدرش نقل می کند که عایشه می گوید:

پیامبر صلی الله علیه و آله برای ساخت مسجد، نخستین سنگ را برداشت. آن گاه ابوبکر سنگ دیگری برداشت؛ سپس عمر سنگ دیگری برداشت، آن گاه عثمان نیز سنگی دیگر برداشت.

گفتم: ای رسول خدا! آیا نمی بینید که اینان چگونه شما را کمک می کنند؟

\*\*\*

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای عایشه! اینان خلفا و جانشینان بعد از من هستند.

حاکم نیشابوری در ذیل این حدیث می نویسد:

این حدیث با رعایت معیارهای مورد نظر بخاری و مسلم صحیح است، ولی بخاری و مسلم آن را نقل نکرده اند. این حدیث با سندی سست از محمد بن فضل بن عطیه، مشهور شده و به همین جهت به آن اعتنایی نشده است. (۱)

### بررسی و نقد حدیث ...

این حدیث هم از نظر سند و هم از نظر متن، جعلی و ساختگی است.

۱. سند حدیث

از نظر سند- با چشم پوشی از راویان دیگر آن- فقط به اظهار نظرهای راوی شناسان درباره احمد بن عبدالرحمان بن وهب مصری می پردازیم.

ابن عدی درباره او می گوید: همه بزرگان مصر احمد بن عبدالرحمان را از نظر نقل حدیث ضعیف می دانستند.

ص: ۴۷

---

۱- .المستدرک علی الصحیحین: ۳/ ۱۰۳، کتاب معرفه الصحابه، حدیث ۴۵۳۳

\*\*\*

ابن یونس درباره او می گوید: نمی توان به حدیث احمد بن عبدالرحمان استدلال و احتجاج کرد.

ابن حبان می گوید: احمد بن عبدالرحمان در پایان عمرش به ذکر احادیث ناشناخته پرداخته است. (۱) گفتنی است که احمد بن عبدالرحمان مصری، حدیث مذکور را از عمویش نقل کرده است!!

۲. متن حدیث

در بررسی متن حدیث فقط به گفتار ذهبی بسنده می شود. ذهبی پس از نقل سخن حاکم نیشابوری، چنین می گوید:

به نظر من احمد بن عبدالرحمان به ذکر احادیث ناشناخته پرداخته و از کسانی است که مسلم نیشابوری به خاطر نقل احادیث او در صحیح، مورد نکوهش قرار گرفته است. یحیی نیز هر چند ثقه است، اما او را از نظر نقل حدیث تضعیف کرده است.

از این گذشته، اگر این حدیث صحیح باشد، تصریحی در خلافت ابوبکر، عمر و عثمان خواهد بود.

اما این حدیث به هیچ عنوان صحیح نیست؛ زیرا عایشه در آن هنگام هنوز با پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج نکرده بود؛ بلکه در سنین

ص: ۴۸

\*\*\*

کودکی و در خانه پدرش به سر می برد. به همین جهت این سخن وی نشان گر بطلان حدیث است.

آن گاه ذهبی سخن حاکم نیشابوری را چنین نقل می کند: این حدیث از محمد بن فضل بن عطیه، مشهور شده و به همین جهت به آن اعتنایی نشده است.

ذهبی در ذیل سخن حاکم می گوید: به نظر من ابن عطیه فرد متروکی است. [\(۱\)](#)

ص: ۴۹



\*\*\*

## رؤیای رسول خدا ...

### اشاره

هفتمین حدیث ساختگی را ابوداؤد در سنن خود این گونه آورده است:

عمرو بن عثمان، از محمد بن حرب، از زبیدی، از ابن شهاب، از عمرو بن ابان بن عثمان روایت می کند که جابر بن عبدالله می گفت:

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

امشب مرد صالحی در خواب به من نشان داده شد که ابوبکر، پیامبر خدا صلی الله علیه وآله را گرفته، عمر به ابوبکر آویخته شده و عثمان نیز به عمر.

جابر می گوید: هنگامی که از محضر رسول خدا صلی الله علیه وآله خارج شدیم گفتیم: آن مرد صالح، خود رسول خدا صلی الله علیه وآله است و آویخته شدن آنان به یک دیگر نشان می دهد که ابوبکر، عمر و عثمان، پیشوایان رسالتی هستند که خداوند پیامبرش را برای انجام آن مبعوث

ص: ۵۰

\*\*\*

کرده است.

ابوداود پس از نقل این حدیث می گوید: یونس و شعیب نیز این حدیث را روایت کرده اند؛ ولی نامی از عمرو نبرده اند. (۱)

حاکم نیشابوری نیز این حدیث را این گونه آورده است:

ابوعبدالله محمد بن عبدالله صفار، از احمد بن مهدی بن رستم، از موسی بن هارون بردی، از محمد بن حرب، از زبیدی، از زهری، از عمرو بن ابان بن عثمان بن عفان نقل می کند که جابر بن عبدالله می گوید: رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: امشب مرد صالحی را در خواب به من نشان دادند که ابوبکر رسول خدا صلی الله علیه وآله را گرفته، عمر به ابوبکر و عثمان به عمر آویخته شده اند.

جابر می گوید: هنگامی که از محضر رسول خدا صلی الله علیه وآله خارج شدیم گفتیم: آن مرد صالح، خود رسول خدا صلی الله علیه وآله است و مقصود از آویخته شدن آنان به یک دیگر این است که ابوبکر، عمر و عثمان، پیشوایان رسالتی هستند که خداوند پیامبرش صلی الله علیه وآله را برای انجام آن مبعوث کرده است.

حاکم نیشابوری پس از نقل حدیث می گوید: در پایان این

ص: ۵۱

حدیث، سند صحیحی از ابوهریره وجود دارد؛ ولی مسلم و بخاری آن را نقل نکرده اند. (۱)

### بررسی و نقد حدیث ...

ذهبی در کتاب تلخیص المستدرک علی الصحیحین این حدیث را صحیح دانسته است؛ اما حاکم نیشابوری یک بار دیگر این حدیث را با سند دیگر از عثمان بن سعید دارمی، از محمد بن حرب، از سعید بن عبدالله جرجسی، از زبیدی، از زهری، از عمرو بن ابان بن عثمان، از جابر نقل کرده و آن گاه می گوید:

دارمی می گوید: از یحیی بن معین شنیدم که می گفت: سند این حدیث از محمد بن حرب است و مردم به نقل از او و از زبان زهری، احادیث مرسل را روایت می کنند. در سند این حدیث، نام عمرو بن ابان به چشم می خورد، اما ابان بن عثمان، پسری به نام عمرو نداشته است. (۲) ذهبی در این مورد نیز با حاکم نیشابوری هم عقیده است!

گفتنی است که برای بی اعتباری این حدیث- با چشم پوشی از اشکالات موجود در سند که بر اساس تصریح یاقوت حموی در بخش

ص: ۵۲

---

۱- . المستدرک علی الصحیحین: ۳ / ۷۵، کتاب معرفه الصحابه، حدیث ۴۴۳۹

۲- . همان: ۳ / ۱۰۹، کتاب معرفه الصحابه (فضائل عثمان بن عفان) حدیث ۴۵۵۱

\*\*\*

«حمص» کتاب معجم البلدان، «محمّد بن حرب» و «محمّد بن ولید زبیدی» از اهالی حمص و به دشمنی با علی علیه السلام معروف بودند؛ به ویژه که در شرح حال آن ها در تهذیب التهذیب آمده که آن ها از قُضات حکومت جور در دمشق بودند و این که ابن شهاب زهری از معروف ترین مخالفان امیر مؤمنان علی علیه السلام بوده- سخن ابوداؤد و یحیی بن معین کافی است.

خاطر نشان می شود که برای رفع تناقض موجود در سخنان حاکم و ذهبی، توجیهی به ذهن نرسید!!

ص: ۵۳

## خلفا هم سنگان اَمت ...

### اشاره

هشتمین حدیث ساختگی را طبرانی نقل می کند. وی به نقل از معاذ بن جبل می گوید: رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: در خواب دیدم که من در یک کفه ترازو و اَمت در کفه دیگر آن قرار گرفته اند و من هم سنگ همه اَمت هستم. سپس ابوبکر در یک کفه و اَمت در کفه دیگر قرار گرفته اند که ابوبکر هم سنگ همه آنان بود. آن گاه عمر در یک کفه و اَمت در کفه دیگر قرار گرفته اند که عمر هم سنگ همه آنان بود. عثمان نیز در یک کفه و اَمت در کفه دیگر قرار گرفته اند که عثمان، هم سنگ همه آنان بود. آن گاه ترازو برداشته شد. همیشه و متقی هندی نیز این حدیث را از طبرانی نقل کرده اند. (۱)

ص: ۵۴

---

۱- مجمع الزوائد: ۹ / ۵۱ کتاب المناقب، باب فیما ورد من الفضل لأبی بکر وعمر و غیرهما من الخلفاء و غیرهم، حدیث ۱۴۳۸۸، کنز العمال: ۱۱ / ۲۹۵ کتاب الفضائل، باب ذکر الصحابه و فضلهم، حدیث ۳۳۱۱۴

### عمرو بن واقد از راویان این حدیث ...

همیشی پس از نقل این حدیث می گوید:

یکی از راویان این حدیث، عمرو بن واقد است و از نظر نقل حدیث متروک است و همه علما او را تضعیف کرده اند.

اینک به بخشی از سخنان علمای اهل سنت در مورد عمرو بن واقد می پردازیم:

مروان همیشه درباره او می گفت: عمرو بن واقد دروغ گو است.

یزید بن محمد بن عبدالصمد به نقل از ابومسهر می گوید:

عمرو بن واقد بی آن که تعمّدی داشته باشد، دروغ می گفت.

یعقوب بن سفیان به نقل از دحیم می گوید: بزرگان ما از عمرو بن واقد حدیث نقل نمی کردند.

یعقوب می گوید: گویا دحیم در مورد دروغ گو بودن عمرو بن واقد تردیدی نداشت.

بخاری و ترمذی نیز درباره عمرو بن واقد سخن به میان آورده اند. آن ها می گویند: او احادیث ناشناخته روایت می کند.

\*\*\*

ابوحاتم می گوید: عمرو بن واقد از نظر نقل حدیث ضعیف است و احادیث ناشناخته روایت می کند.

نسائی، دارقطنی و برقانی درباره عمرو بن واقد می گویند: او متروک الحدیث است. (۱) ذهبی در میزان الاعتدال درباره عمرو بن واقد مطالبی را ذکر کرده و او را در زمره راویان ترمذی و ابن ماجه برشمرده است. او پس از بیان عباراتی در نکوهش و سرزنش عمرو بن واقد، به ذکر احادیثی - از جمله همین حدیث - می پردازد که وی از راویان آن است.

ذهبی در ادامه می گوید: این گونه احادیث فقط از طریق عمرو بن واقد معروف شده اند و حال آن که وی از درجه اعتبار ساقط است. (۲)

ص: ۵۶

---

۱- . تهذیب التهذیب: ۹۷ / ۸

۲- . میزان الاعتدال: ۳۴۹ / ۵ - ۳۵۱

\*\*\*

## خلفا و فرمان خدا ...

### اشاره

نهمین حدیث را در برتری و ترتیب خلفا متقی هندی از ابن عساکر و ابن عدی نقل می کند که ابن عمر می گوید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

خداوند به من فرمان داد تا چهار تن از اصحابم را دوست داشته باشم؛ و فرمود: من، ابوبکر، عمر، عثمان و علی را دوست می دارم.

متقی هندی پس از نقل این حدیث می گوید:

یکی از راویان این حدیث سلیمان بن عیسی بن نجیح سجزی است. ابن عدی درباره او می گوید: سلیمان، حدیث جعل می کند. (۱)

ص: ۵۷

---

۱- . کنز العمال: ۱/ ۲۹۳ کتاب فضائل، باب ذکر الصحابه و فضلهم، حدیث ۳۳۰۹۹



### سلیمان بن عیسی سجزی از راویان این حدیث ...

از راویان این حدیث سلیمان بن عیسی سجزی است که به بخشی از دیدگاه های راوی شناسان درباره او اشاره می نمایم.

ذهبی می گوید: سلیمان بن عیسی بن نجیح سجزی از زبان ابن عون و دیگر راویان روایات مالک را نقل می کند.

جوزجانی می گوید: دروغ پردازی سلیمان بر همه آشکار است.

ابوحاتم می گوید: او دروغ گوست.

ابن عدی درباره او می گوید: سلیمان حدیث جعل می کرد. وی کتاب تفضیل العقل را در دو جلد به رشته تحریر درآورده است.

از حدیث های بلا خیز او این است که از لیث، از نافع، از ابن عمر، حدیث مرفوعی را نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود:

خداوند مرا به دوست داشتن چهار نفر دستور داده است؛ ابوبکر، عمر، عثمان و علی. (۱) گفتنی است که ابن حجر عسقلانی نیز همین مطالب را بیان کرده است. (۲)

ص: ۵۸

---

۱- میزان الاعتدال: ۳/ ۳۰۸

۲- لسان المیزان: ۳/ ۱۱۳

\*\*\*

## خلفا و مژده پیامبر ...

### اشاره

دهمین حدیث در فضایل و ترتیب خلفا را جلال الدین سیوطی نقل می کند. وی در کتاب الخصائص الکبری می نویسد:

ابن ابی خیشمه (در تاریخ خود)، ابویعلی، بزار و ابونعیم اصفهانی این گونه نقل می کنند که انس می گوید:

روزی همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله در باغی حضور داشتم.

شخصی آمد و در زد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای انس! برخیز، در را برایش باز کن و او را به بهشت و خلافت بعد از من بشارت ده!

من در را باز کردم و دیدم ابوبکر است. سپس مرد دیگری آمد و در زد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای انس! برخیز، در را برای او باز کن و او را به بهشت و خلافت پس از ابوبکر بشارت ده!

\*\*\*

من در را باز کردم، دیدم عمر است. سپس مرد دیگری آمد و در زد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: در را برایش باز کن، او را به بهشت و خلافت پس از عمر بشارت ده و به او بگو که کشته خواهد شد.

من در را باز کردم دیدم عثمان است. (۱)

### حدیث ساختگی و دیدگاه خطیب بغدادی ...

خطیب بغدادی در این زمینه می گوید:

صقر بن عبدالرحمان بن بنت مالک بن مغول- که از مردم کوفه و با کنیه ابوبهز شناخته می شد، و در بغداد ساکن و در آن جا به نقل احادیث پرداخت- به من گفت: علی بن محمّد بن حسن مالکی، از عبدالله بن عثمان صفار، از محمّد بن عمران بن موسی صیرفی، از عبدالله بن علی بن مدینی برای من نقل کرد که در مورد حدیث ابوبهز- که آن را از ابن ادریس، از مختار بن فلفل، از انس نقل کرده- با پدرم صحبت کردم و به او گفتم: در این حدیث، انس می گوید که در باغی بودم و ... پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرموده است: در را باز کن و به او اجازه ورود ده و او را به بهشت بشارت بده. به پدرم گفتم: این حدیث

ص: ۶۰

\*\*\*

همانند حدیث ابوموسی است.

پدرم پاسخ داد: این حدیث، دروغ و ساختگی است.

آن گاه خطیب به سند خود از طریق ابویعلی این گونه نقل می کند:

ابوبهز صقر بن عبدالرحمان بن بنت مالک بن مغول، از عبدالله بن ادریس، از مختار بن فلفل، از انس بن مالک روایت کرد که پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و وارد باغی شد. شخصی آمد و در زد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

ای انس! برخیز ...

عبدالؤمن می گوید: از ابوعلی درباره صقر پرسیدم.

پاسخ داد: صقر، استادی ساده لوح بود که در بغداد هیچ کس به او توجه نمی کرد ... و ابوصقر عبدالرحمان بن مالک بن مغول - یعنی صقر - حدیث جعل می کرد.

ابوعلی در ادامه می گوید: صالح بن محمد عبدالرحمان بن مالک بن مغول از دروغ گوترین مردم است و پسرش ابوبهز نیز در دروغ گویی همواره گوی سبقت را از پدرش ربوده بود. (۱) گفتنی است که عینی نیز این حدیث را در شرح بخاری نقل می کند و می گوید:

ص: ۶۱

ابویعلی موصلی این روایت را به عنوان یکی از روایات مختار بن فلفل به نقل از انس، ذکر کرده و گفته است: این حدیث، حدیثی حسن (۱) است. (۲)

### دیدگاه های دیگر ...

همان گونه که پیش از این گذشت، چند تن از حافظان حدیث اهل تسنن، به صراحت ابوبهز را در شمار دروغ گوترین ها آورده اند و این حدیث را جعلی دانسته اند. ابن عدی نیز می گوید: هر گاه حدیثی را به نقل از ابوبهز نقل می کردیم، ابویعلی به ضعیف بودن او اشاره می کرد.

ذهبی در زمره کسانی است که این حدیث را دروغ و جعلی می داند. وی پس از بیان شرح حال «صقر» در میزان الاعتدال می نویسد:

صقر بن عبدالرحمان مشهور به ابوبهز، نوه دختری مالک بن مغول بود. او این حدیث دروغ را از عبدالله بن ادريس، از مختار بن فلفل، از انس نقل می کند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به انس فرمود: ای انس! برخیز، در را برای ابوبکر باز کن و او را به خلافت بعد از من

ص: ۶۲

---

۱- حدیث حسن به اصطلاح اهل تسنن، خبر مسندی است که راویان آن، نزدیک به درجه وثاقت باشند

۲- عمده القاری: ۱۶/۱۷۶-۱۷۷

\*\*\*

بشارت ده!

در ادامه حدیث، همین عبارات درباره عمر و عثمان نیز ذکر شده است.

ذهبی در ادامه می نویسد: ابن عدی نیز درباره صقر اظهار نظر کرده است. وی می گوید: هر گاه به نقل احادیث ابوبهز می پرداختیم، ابویعلی او را ضعیف می شمرد.

ابوبکر بن ابی شیبه می گوید: ابوبهز حدیث جعل می کرد.

ابوعلی جزره می گوید: ابوبهز بسیار دروغ گو بود. (۱) ابن حجر عسقلانی نیز در کتاب لسان المیزان، پس از ذکر عبارات ذهبی، از دیدگاه او پیروی کرده و آن گاه حدیث مذکور را به سند خود از ابویعلی، از صقر بن عبدالله بن ادريس، از مختار بن فلفل، از انس نقل کرده است. ابن حجر در ادامه می گوید:

اگر این حدیث، صحیح بود، عمر مسأله خلافت را به اهل شورا واگذار نمی کرد و بدون هیچ کشمکش، عثمان را به عنوان خلیفه معرفی می کرد. (۲)

ص: ۶۳

---

۱- . میزان الاعتدال: ۳/ ۴۳۴ و ۴۳۵

۲- . لسان المیزان: ۳/ ۲۲۷ و ۲۲۸

## خلفا و جایگاه ویژه ...

### اشاره

یازدهمین حدیث را سه تن از علمای اهل سنت نقل می کنند. این حدیث را عبدالوہاب کلابی، معروف به ابن اخی تبوک، در گذشته سال ۳۹۶ هجری در مسند خود، (۱) ابن عساکر در تاریخ مدینه دمشق و خطیب بغدادی در تاریخ بغداد نقل کرده اند.

خطیب بغدادی این گونه نقل می کند:

از عبدالوہاب بن حسن دمشقی، از ابوالقاسم عبداللہ بن احمد بن محمد تمیمی معلّم - معروف به غباغبی - از ضرار بن سهل ضراری در «دار الخلعیین» واقع در «رأس الجسر» بغداد، از حسن بن عرفه، از ابو حفص ابار عمر بن عبدالرحمان، از حمید نقل می کند که انس می گوید:

ص: ۶۴

---

۱- . شایان ذکر است که «مسند دمشق» نیز در مسند عبدالوہاب کلابی گنجانده شده است

علی بن ابی طالب به من گفت: رسول خدا صلی الله علیه وآله به من فرمود: ای علی! خداوند به من فرمان داد تا ابوبکر را به عنوان پدر، عمر را مشاور، عثمان را تکیه گاه و تو را - ای علی! - پشتیبان خود برگزینم ...

خطیب بغدادی پس از نقل این حدیث می نویسد:

این حدیث، بسیار ناشناخته است و تنها دو راوی ناشناخته به نام های ضرار بن سهل و غباغبی - آن هم به نقل از ضرار بن سهل - آن را با سند مذکور نقل کرده اند. (۱) ابن جوزی در بخش فضایل خلفای چهارگانه از کتاب الموضوعات خود، روایاتی چند نقل می کند و این حدیث را به عنوان نخستین حدیث با سند از این راویان نقل می کند:

ابومنصور قرّاز، از ابوبکر احمد بن علی خطیب، از عبدالوّهّاب بن حسن دمشقی، از ابوالقاسم عبداللّه بن احمد بن محمد تمیمی - معروف به غباغبی - از ضرار بن سهل، از حسن بن عرفه، از ابو حفص أبار، از حمید از انس ...

ابن جوزی پس از نقل این حدیث، دیدگاه خطیب بغدادی را

ص: ۶۵



\*\*\*

این گونه نقل می کند:

خطیب می گوید: این حدیث، بسیار ناشناخته است و تنها دو راوی ناشناخته به نام های ضرار بن سهل و غباغبی - وی نیز به نقل از ضرار بن سهل - این حدیث را با سند مذکور روایت کرده اند. (۱) ذهبی درباره این سند می گوید:

ضرار بن سهل، خبر باطلی را به نقل از حسن بن عرفه بیان کرده است و نمی دانیم این حیوان کیست!! این حدیث از ابن عرفه نیز نقل شده است.

ابار از حمید و او نیز از انس نقل می کند که علی گفت:

پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود: ای علی! خداوند به من فرمان داد تا ابوبکر را به عنوان پدر خود برگزینم.

این حدیث را اخو تبوک عبدالوهاب کلایبی، از عبدالله بن احمد غباغبی - یکی از دو راوی ناشناخته - از ضرار نقل کرده است. (۲) گفتنی است که ابن حجر عسقلانی نیز همین دیدگاه ذهبی را نقل کرده است. (۳)

ص: ۶۶

---

۱- . الموضوعات: ۱ / ۳۰۱ و ۳۰۲

۲- . میزان الاعتدال: ۳ / ۴۴۸ و ۴۴۹

۳- . لسان المیزان: ۳ / ۲۳۸ و ۲۳۹

### بررسی و نقد حدیث ...

تا این جا روشن شد که حدیث مذکور در زمره احادیث جعلی و ساختگی است.

از این گذشته، ابن حجر عسقلانی پس از نقل حدیث مذکور- همانند ذهبی- چنین می گوید:

اخو تبوک عبدالوہاب کلابی، این حدیث را به نقل از عبداللہ بن احمد غباغبی نقل کرده است.

ابن حجر پس از آن کہ- همانند ذهبی- غباغبی را یکی از دو راوی ناشناخته معرفی می کند، در عنوان «عبداللہ بن احمد بن محمد تمیمی، معروف به عباغبی» این گونه می نویسد:

عباغبی حدیثی را پیرامون فضایل خلفا، از ضرار بن سهل، از زبان حسن بن عرفه نقل کرده است. البته عبدالوہاب علائی نیز این حدیث را از عباغبی روایت کرده است.

ملاحظه می کنید کہ ابن حجر ابتدا از «غباغبی» و آن گاه از «عباغبی» نام می برد! وی یک بار «عبدالوہاب کلابی» و بار دیگر «عبدالوہاب علائی» را به عنوان راوی حدیث معرفی می کند!

ابن حجر ادامه می دهد:

خطیب می گوید: این حدیث، بسیار ناشناخته است. من نشنیده ام

\*\*\*

که غیر از ضرار، راوی دیگری این حدیث را با سند مذکور نقل کرده باشد و این در حالی است که هم ضرار و هم عباعبی، ناشناخته هستند.

ابن عساکر، عباعبی را از تبار فراس بن حابس تمیمی، برادر اقرع بن حابس می داند ...

عباعبی در باب «الجاییه» دمشق به حرفه معلمی اشتغال داشت و در سال ۴۲۵ هجری درگذشت.

ابن حجر در پایان می گوید: من بر این باورم که عباعبی، راوی معروف و شناخته شده ای بود، ولی شک و تردید درباره ضرار وجود دارد. (۱)

### نقد دیدگاه ابن حجر ...

با توجه به آن چه گذشت، ابن حجر با آن که درباره لقب عباعبی و لقب راوی وی (عبدالوہاب) تردید دارد، اما تلاش می کند تا عباعبی را فردی معروف و شناخته شده، جلوه دهد. اما باید گفت که ابن حجر در این تلاش خود، ناکام مانده است؛ چرا که برای اثبات شناخته بودن عباعبی، سندی ارائه نکرده و او را مورد ستایش قرار نداده است؛ چرا که دانستن این مسئله که عباعبی در فلان منطقه به پیشه معلمی اشتغال

ص: ۶۸

\*\*\*

داشته و در فلان سال از دنیا رفته است، ناشناخته بودن را از او سلب نمی کند؛ زیرا که در این صورت نه ذهبی، نه خطیب بغدادی - که با یک واسطه از او روایت کرده است - و نه ابن جوزی - که با یک واسطه از خطیب روایت کرده است - هیچ کدام او را فردی مجهول و ناشناخته معرفی نمی کردند!

ص: ۶۹

\*\*\*

## فضایل ناهمگون ...

### اشاره

دوازدهمین حدیث در فضایل و ترتیب خلفا را ترمذی نقل کرده است وی از علی علیه السلام این گونه نقل کرده که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

خداوند ابوبکر را رحمت کند، دخترش را به عقد من درآورد، مرا به مرکز هجرت (مدینه) رهنمون شد و بلال را با ثروت خود آزاد کرد. هیچ ثروتی به اندازه ثروت ابوبکر در راه اسلام، برای من سودمند نبوده است.

خداوند عمر را رحمت کند که حق را می گوید گرچه تلخ باشد.

حق او را ترک گفت، اما دوست دیگری برای خود نیافت.

خداوند عثمان را رحمت کند که فرشتگان از او شرم دارند. او «جیش العسره» (۱) را تجهیز کرد و مسجد ما را آن قدر گسترش داد که

ص: ۷۰

---

۱- ارتش اعزامی به تبوک را «جیش العسره» می نامند، چرا که اعزام این ارتش در دوران قحطی، خشک سالی و کمبود ارزاق روی داد

\*\*\*

ظرفیت همه ما را داشته باشد.

خداوند، علی را رحمت کند. خدایا! هر جا که رود حق را با او همراه گردان. (۱) جلال الدین سیوطی این حدیث را از ترمذی نقل کرده و آن را صحیح دانسته است. (۲)

### مختار بن نافع راوی این حدیث ...

از راویان این حدیث، به مختار بن نافع می توان اشاره کرد که راوی شناسان او را نپذیرفته اند.

ابوزرعه درباره او می گوید: احادیث وی، سست و ضعیف است.

بخاری، نسائی و ابوحاتم می گویند: احادیث مختار ناشناخته است.

نسائی در جای دیگری می گوید: مختار فرد مورد اعتمادی نیست.

ابن حبان می گوید: مختار احادیث ناشناخته را از زبان مشاهیر نقل می کرد، به گونه ای که به ذهن خطور می کند که وی از روی عمد این

ص: ۷۱

---

۱- سنن ترمذی: ۲۹۷/۵، حدیث ۳۷۹۸

۲- الجامع الصغیر: ۹/۲، حدیث ۴۴۱۲، حرف راء

\*\*\*

کار را انجام داده است.

ابو احمد حاکم می گوید: از نظر علما، مختار بن نافع، در نقل حدیث قوی نیست.

ساجی می گوید: احادیث مختار ناشناخته است. (۱) با توجه به آن چه گفته شد، حافظان حدیث، این حدیث را در شمار احادیث باطل و مردود ذکر کرده اند. برای نمونه ابن جوزی می گوید: مختار بن نافع تمیمی روایتی را از ابو حیان، از پدرش، از علی علیه السلام نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود ...

ابن جوزی در ادامه می گوید: این حدیث، با نام «مختار» معروف شده است. بخاری می گوید: مختار، احادیث ناشناخته نقل می کند.

ابن حبان می گوید: مختار، احادیث ناشناخته را از زبان مشاهیر نقل می کرد؛ به گونه ای که به ذهن خطور می کند که وی از روی عمد این کار را انجام داده است. (۲) ذهبی درباره او می گوید: مختار بن نافع، از ابو حیان تمیمی به نقل حدیث پرداخته است.

ص: ۷۲

---

۱- تهذیب التهذیب: ۶۳ / ۱۰

۲- العلل المتناهیة: ۲۵۵ / ۱ و ۲۵۶

\*\*\*

نسائی و دیگران می گویند: مختار بن نافع، راوی ثقه و مورد اعتمادی نیست.

ابن حبان می گوید: احادیث وی، بسیار ناشناخته است.

احمد بن عبدالرحمان کزبرانی می گوید: مختار بن نافع، از ابوحنیفان، از پدرش، از علی علیه السلام این حدیث را به صورت مرفوع نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: خداوند، ابوبکر را رحمت کند... و آن گاه بقیه حدیث را ذکر می کند.

بخاری می گوید: احادیث مختار بن نافع، ناشناخته بوده و کنیه وی ابواسحاق است. (۱) بر این اساس، مناوی در شرح خود می نویسد:

نگارنده، صحت این حدیث را مورد اشاره قرار داده است، اما ادعای وی درست نیست؛ چرا که ابن جوزی این حدیث را در شمار احادیث سست و ضعیف قرار داده و می گوید: این حدیث با نام مختار، معروف شده است. بخاری می گوید: احادیث مختار، ناشناخته است.

ابن حبان می گوید: مختار احادیث ناشناخته را از زبان مشاهیر نقل می کند، به گونه ای که به ذهن خطور می کند وی از روی عمد این کار را

ص: ۷۳



\*\*\*

انجام داده است ...

از طرف دیگر در میزان الاعتدال آمده است: احادیث مختار بن نافع، بسیار ناشناخته است. صاحب کتاب میزان الاعتدال در ادامه، این حدیث را در شمار احادیث ناشناخته مختار بن نافع آورده است. [\(۱\)](#)

ص: ۷۴

\*\*\*

## نوشتاری بر روی برگ های درختان بهشتی ...

### اشاره

سیزدهمین حدیث در فضایل و ترتیب خلفا را طبرانی، ابونعیم اصفهانی، ابن عدی، خطیب بغدادی و علمای دیگر اهل سنت از ابن عباس نقل کرده اند.

خطیب بغدادی می نویسد:

ابن عباس می گوید: رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

بر روی تک تک برگ های درختان بهشت این گونه نوشته شده است: «محمد رسول الله، ابوبکر صدیق، عمر فاروق، عثمان ذوالنورین». (۱)

ص: ۷۵

### حدیث ساختگی و دیدگاه برخی از علما ...

ابن جوزی در بخش فضایل سه خلیفه ابوبکر، عمر و عثمان چند روایت نقل کرده است.

وی حدیث نخست این بخش را از عبدالرحمان بن محمد قزاز، از احمد بن علی بن ثابت، از قاضی ابوالفرج محمد بن احمد بن حسن شافعی ... از مجاهد، از ابن عباس نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: بر روی تک تک برگ های درختان بهشت، نوشته شده است ...

ابوحاتم بن حبان درباره این حدیث می گوید: این حدیث، باطل و ساختگی است. علی بن جمیل، حدیث جعل می کرد و به هیچ روی، نقل روایت از او جایز نیست.

ابو احمد بن عدی می گوید: هیچ کس جز علی بن جمیل، این حدیث را از جریر روایت نکرده است و او همان است که به نقل احادیث باطل از زبان راویان ثقه و مورد اعتماد می پردازد. بنابراین او سارق احادیث، بود. (۱) ذهبی می گوید:

علی بن جمیل رقی، از جریر بن عبدالحمید و عیسی بن یونس

ص: ۷۶

\*\*\*

روایت کرده است. ابن حَبَّان او را تکذیب می کند و دارقطنی و دیگران، او را در نقل حدیث ضعیف می دانند. علی بن جمیل، از جریر از لیث از مجاهد از ابن عباس روایت می کند که پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود:

هنگامی که در معراج، مرا به آسمان بردند ...

شیخ ناشناخته ای به نام «معروف بن ابی معروف بلخی»، همانند علی بن جمیل، این حدیث را از قول جریر نقل کرده است. (۱) جلال الدین سیوطی درباره این حدیث و راوی آن می گوید:

طبرانی حدیثی را این گونه آورده است: سعید بن عبدربه صفار بغدادی، از علی بن جمیل رقی، از جریر بن عبدالحمید، از لیث، از مجاهد حدیثی را به صورت مرفوع از ابن عباس، نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود:

هیچ درختی در بهشت نیست مگر این که بر روی برگ های آن نوشته شده است ...

ابن حَبَّان می گوید: این حدیث جعلی است و علی بن جمیل، حدیث جعل می کرد.

آن گاه سیوطی می افزاید: ابونعیم اصفهانی این حدیث را در الحلیه،

ص: ۷۷

\*\*\*

از قاضی ابواحمد بن محمد، از احمد بن حسن بن عبدالملک، از علی بن جمیل روایت کرده است.

ختلی در کتاب الدیاج می نویسد: قاسم بن ابی علی کوفی، از عبدالعزیز بن عمرو خراسانی، از جریر رازی، از لیث، از مجاهد، از ابن عباس، این روایت را به صورت مرفوع نقل کرده است.

ذهبی در المیزان می نویسد: عبدالعزیز فرد ناشناخته ای است و این حدیث باطل است. پس همین، آفت این حدیث است.

ابن عدی می گوید: احمد بن عامر برقعیدی، از معروف بلخی در دمشق، از جریر، از لیث، از مجاهد، از ابن عباس این روایت را به صورت مرفوع نقل کرده است.

آن گاه ذهبی می نویسد: این حدیث، جعلی و ساختگی است. (۱)

ص: ۷۸

## خلفا در روز رستاخیز ...

### اشاره

چهاردهمین حدیث در فضایل و ترتیب خلفا را گروهی از حافظان حدیث نقل کرده اند.

ابن جوزی در شمار دومین حدیث می گوید: هبه الله بن محمد بن حصین، از ابوطالب بن غیلان، از ابوبکر شافعی، از محمد بن عثمان بن ابی شیبه، از حسن بن صالح، از حسن بن حسن نرسی، از اصیغ بن فرج، از بیع بن محمد، از ابوسلیمان ایلی، از ابن جریج، از عمرو بن دینار نقل می کند که ابن عباس می گوید: رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

آن گاه که روز قیامت فرا رسد، یکی از منادیان در زیر عرش فریاد می زند: کجا هستند اصحاب محمد؟

در این هنگام ابوبکر، عمر بن خطاب، عثمان بن عفان و علی را می آورند. به ابوبکر گفته می شود: بر در بهشت بایست، هر که را

\*\*\*

می خواهی به واسطه رحمت خدا، وارد بهشت کن و هر که را می خواهی با علم خدای متعال از ورود به بهشت باز دار!  
به عمر گفته می شود: بر روی ترازو بایست، کفّه هر که را می خواهی به واسطه رحمت خداوند، سنگین کن و کفّه هر که را می خواهی با علم خداوند، سبک گردان!

پیامبر صلی الله علیه و آله ادامه داد: و دو لباس فاخر برای عثمان بن عفّان می آورند و به او گفته می شود: این دو لباس فاخر را بپوش که من در هنگام آفرینش آسمان ها و زمین، این دو لباس را آفریده و ذخیره کردم.

و عصایی از درخت عوسج که خداوند متعال آن را در بهشت آفریده است به علی بن ابی طالب عطا می گردد و به او گفته می شود: با این، مردم را از کنار حوض، دور کن!

ابن جوزی پس از نقل این حدیث می نویسد:

این حدیث را اصبع، از سلیمان بن عبدالأعلی، از ابن جریج؛ هم چنین اصبع، از سری بن محمّد، از ابوسلیمان ایلی، از ابن جریج، نقل کرده است.

این امر نشان می دهد که اصبع یا دیگر راویان این حدیث، دچار پریشان گویی شده اند.

\*\*\*

در سند این حدیث، نام برخی افراد ناشناخته به چشم می خورد.

احمد بن حسن کوفی این روایت را از وکیع نقل کرده است.

دارقطنی می گوید: وی، متروک است.

ابن حبان می گوید: وی از زبان راویان ثقه و مورد اعتماد، حدیث جعل می کند.

ابراهیم بن عبدالله مصیصی نیز این روایت را از حجاج بن محمد، از ابن جریج نقل کرده است.

ابن حبان می گوید: ابراهیم به سرقت احادیث می پرداخت و در آن ها تصرف می کرد. وی از زبان راویان ثقه و مورد اعتماد، روایاتی را نقل می کند که جزء احادیث آن ها نیست؛ بنابراین جای آن دارد که ابراهیم در شمار افرادی که روایت آنان ترک می شود، قرار گیرد. (۱)

### حدیث ساختگی و دیدگاه ذهبی و عسقلانی ...

ذهبی در میزان الاعتدال، پس از ذکر نام ابراهیم بن عبدالله، به شرح حال او می پردازد و در شرح حال او به دو حدیث - که در این مبحث، یکی از آن ها را نقل کردیم - اشاره می کند و می گوید: به نظر من این مرد دروغ پرداز است. حاکم نیشابوری می گوید: احادیث وی، جعلی و

ص: ۸۱



\*\*\*

ساختگی است.

حاکم می گوید: ابراهیم، از وکیع، از سفیان، از عمرو بن دینار، از ابن عباس، این حدیث را به صورت مرفوع نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

آن گاه که روز قیامت فرا رسد، ابوبکر، در یکی از ارکان حوض، عمر در رکن دوم، عثمان در رکن سوم و علی در رکن چهارم قرار می گیرند و هر کس، یک نفر از آنان را دشمن بدارد، دیگران او را سیراب نخواهند کرد.

ابراهیم، از حجاج، از ابن جریج، از عمرو بن دینار، از ابن عباس حدیثی را به صورت مرفوع نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

آن گاه که روز قیامت فرا رسد، یکی از منادیان در زیر عرش فریاد می زند: اصحاب محمد را بیاورید!

پس ابوبکر، عمر، عثمان و علی را می آورند... (۱) ابن حجر عسقلانی نیز در لسان المیزان، از دیدگاه ذهبی پیروی می کند و در شرح حال ابراهیم، به دو حدیث مذکور اشاره می کند و به دروغ گو بودن ابراهیم بن عبدالله حکم می کند. (۲)

ص: ۸۲

---

۱- . میزان الاعتدال: ۱ / ۱۶۰ و ۱۶۱

۲- . لسان المیزان: ۱ / ۱۶۹

### احادیث ساختگی و سخن پایانی ...

آن چه گذشت، بخش کوچکی از احادیث جعلی و ساختگی بسیاری بود که در فضایل خلفا نقل شده است. برخی از پژوهشگران اهل سنت، بخشی از احادیث جعلی و ساختگی را در کتاب های مربوط به روایات ساختگی ذکر کرده اند که از این کتاب ها می توان به الموضوعات ابن جوزی، الکامل ابن عدی، میزان الاعتدال ذهبی، اللآلی المصنوعه جلال الدین سیوطی، لسان المیزان ابن حجر عسقلانی و تنزیه الشریعه ابن عرّاق اشاره نمود.

با این همه، پژوهشگران مذکور از جعلی دانستن احادیثی که در صحاح ششگانه به ویژه صحیح بخاری و مسلم آمده است، خودداری می کنند؛ چرا که این دو کتاب صحیح بخاری و مسلم در نزد آنان دارای منزلت و عظمت والا و فراوانی هستند.

ما در پژوهش های خود به تحقیق پیرامون بخشی از روایاتی که

\*\*\*

در صحیح بخاری و مسلم آمده است، پرداخته ایم تا این نکته را روشن سازیم که این دو کتاب نیز همانند کتاب های دیگر، احادیث صحیح و ناصحیح را در خود جمع کرده اند. ما در کتاب های مختلف خود- که منتشر نیز شده است- با کمی تفصیل درباره این موضوع بحث کرده ایم.

خدا را بر این امر سپاس گزاریم.

به هر حال، این احادیث، باطل و ساختگی هستند و ذکر آن ها، چه در صحیح بخاری و مسلم و چه در دیگر کتاب ها، حقیقت را تغییر نمی دهد ...

البته هدف جاعلان از ساختن و پرداختن این احادیث، بر آگاهان پوشیده نیست؛ چرا که اهل سنت طرفدارانِ خلافت، خوب می دانند که پس از رحلت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چه اتفاقی افتاد و نیک آگاهند که خداوند، حجتی برای اثبات گفته های آنان نازل نکرده است. بنابراین چه در گذشته و چه در زمان حال، احساس کرده و می کنند که خلافت و مراتب بدعت آمیز آنان ناگزیر باید توجیه شود ...

اما ... هرگز یک عطار نمی تواند آن چه را که روزگار فاسد کرده، اصلاح نماید ...

و درود خدا بر حضرت محمد و خاندان پاک او باد.

\*\*\*

### کتابنامه ...

۱. إحياء علوم الدين: ابو حامد غزالي، دار المعرفه، بيروت، لبنان.
۲. الإستيعاب في معرفه الأصحاب: ابن عبدالبرّ، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان، چاپ يكم، سال ۱۴۱۵.
- ت
۳. تاريخ بغداد: خطيب بغدادى، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان، چاپ يكم، سال ۱۴۱۷.
۴. تحف العقول: ابن شعبه الحراني، مؤسسه نشر الاسلامى، قم، ايران، چاپ چهارم، سال ۱۴۱۶.
۵. تدريب الراوى: جلال الدين سيوطى، دار الكتاب العربى، بيروت، لبنان، چاپ يكم، سال ۱۴۱۴.
۶. تقريب التهذيب: ابن حجر عسقلانى، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۴۱۵.
۷. تلخيص المستدرک على الصحيحين: ذهبى، دار المعرفه، بيروت، لبنان.
۸. تهذيب التهذيب: ابن حجر عسقلانى، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان، چاپ يكم، سال ۱۴۱۵.

شماره صفحه در کتاب - ص: ۱۰۰

\*\*\*

ج

۹. الجامع الصغير: جلال الدين سيوطي، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان، چاپ يكم، سال ۱۴۱۰.

خ

ص: ۸۶

شماره صفحه در کتاب - ص: نسایی، مجمع إحياء الثقافة الإسلاميه، قم، ایران، چاپ یکم، سال ۱۴۱۹.

\*\*\*

س

۱۱. سنن ابن ماجه: ابن ماجه قزوینی، دار الجیل، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۸.

۱۲. سنن ابی داود: ابی داود، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۶.

۱۳. سنن ترمذی: محمّد بن عیسی بن سوره ترمذی، دار الفکر، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۴۰۳.

ش

۱۴. شرح نهج البلاغه: ابن ابی الحدید معتزلی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۳۸۷.

۱۵. الشفاء بتعریف حقوق المصطفی: قاضی عیاض، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان.

ص: ۸۷

\*\*\*

ص

۱۶. صحیح بخاری: محمد بن اسماعیل بخاری جعفی، دار ابن کثیر، دمشق، بیروت، یمامه، چاپ پنجم، سال ۱۴۱۴.

۱۷. صحیح مسلم: مسلم نیشابوری، مؤسسه عز الدین و دار الفکر، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۰۷.

ض

۱۸. الضعفاء والمترکون: احمد بن شعيب نسائی، دار القلم، بیروت، لبنان.

ع

۱۹. العلل المتناهیة فی الأحادیث الواهیة: ابن جوزی، دار الکتب علمیة، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۰۳.

۲۰. عمده القاری: بدر الدین عینی، دار الفکر، و دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان.

ع

۲۱. فیض القدر: محمد بن عبدالرؤوف مناوی، دار الکتب علمیة، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۵.

ص: ۸۸

\*\*\*

ك

۲۲. الكاشف عن أسماء الرجال الكتب الستة: ذهبی، دار الفكر، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۸.

۲۳. كنز العَمال: متقی هندی، دار الكتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۹.

ل

۲۴. اللآلی المصنوعه فی الأحادیث الموضوعه: جلال الدین سیوطی، دار الكتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۷ هـ.

۲۵. لسان المیزان: ابن حجر عسقلانی، دار الكتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۶.

م

۲۶. مجمع الزوائد: هیثمی، دار الفكر، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۲.

۲۷. المستدرک علی الصحیحین: حاکم نیشابوری، دار الكتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۱.

۲۸. المغنی فی الضعفاء: ذهبی، دار الكتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۸.

۲۹. الموضوعات: ابن جوزی، دار الكتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۵.



\*\*\*

۳۰. میزان الاعتدال: ذهبی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۶.

ن

۳۱. نسیم الرياض فی شرح شفاء القاضی عیاض: شهاب الدین خفاجی، دار الفکر، بیروت، لبنان.

و

۳۲. وفيات الأعیان: شمس الدین احمد بن محمد بن خلّکان، دار صادر، بیروت، لبنان.

ص: ۹۰

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

